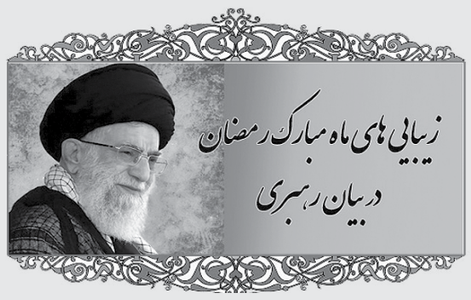

ویژگی تلاوت قرآنی مطلوب

دوستان سعی کنند در همه اوقات -بخصوص در ماه رمضان - تلاوت قرآن را از یاد نبرند. قرآن نباید از زندگی‌تان حذف شود. تلاوت قرآن را حتماً داشته باشید؛ هرچه ممکن است. تلاوت قرآن هم با تأمّل و تدبّر اثر می‌بخشد. تلاوت عجله‌ای که همین‌طور انسان بخواند و برود و معانی را هم نفهمد یا درست نفهمد، مطلوب از تلاوت قرآن نیست؛ نه اینکه بی‌فایده باشد -بالاخره انسان همین‌که توجّه دارد این کلام خداست، نفس این یک تعلّق و یک رشته ارتباطی است و خود همین هم مغتنم است و نباید کسی را از این‌طور قرآن‌خواندن منع کرد لیکن تلاوت قرآنی که مطلوب و مرغوب و مأمورٌبه است، نیست.

تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان باتدبّر بخواند و کلمات الهی را بفهمد، که به نظر ما می‌شود فهمید. اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبّر کند؛ دوبار، سه‌بار، پنج‌بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آیه پیدا می‌کند که با بیان دیگری حاصل نمی‌شود؛ بیشتر باتدبّر حاصل می‌شود؛ این را تجربه کنید. لذا انسان بار اول وقتی مثلاً ده آیه مرتبط به‌هم را می‌خواند، یک احساس و یک انتباه دارد؛ بار دوم، پنجم، دهم که همین را با توجّه می‌خواند، انتباه دیگری دارد؛ یعنی انسان انشراح ذهن پیدا می‌کند. هرچه انسان بیشتر انس و غور پیدا کند، بیشتر می‌فهمد و ما به این احتیاج داریم.

اُنس با قرآن و تدبّر در آن؛ عامل حفظ انسان در مسیر حق

کسانی که پایشان لغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی؛ شعائری بود، شعارهایی بود، احساساتی بود، بر زبانشان بود، امّا در دلشان عمق نداشت. لذا در گذشته ما کسانی را دیدیم که آدم‌های خیلی تند و داغ و پُرشوری هم بودند، بعد صدوهشتاد درجه وضع این‌ها عوض شد. سال‌های اول انقلاب کسانی بودند -من با خصوصیات، آدم‌هایش را می‌شناسم؛ یعنی کلیات نیست - که افرادی مثل شهید بهشتی را راحت و صریح از نظر انقلابی‌بودن و فهم درستش از انقلاب و از راه امام، نفی می‌کردند. بعد از گذشت مدتی، مشی این‌ها آن‌چنان شد که مبانی انقلاب و نظام را انکار کردند! بعضی از آن‌ها که آدم‌های با انصاف‌تری بودند، صریحاً و بعضی‌شان ملتویاً و مزوراً (با تزویر و تلویحی) انکار کردند. آدم‌های بی‌انصاف‌ترشان این‌ها هستند، که به یک معانی‌ای هم تظاهر می‌کنند؛ امّا باطن‌شان این‌طور نیست. این به خاطر این بود که این‌ها عمق نداشتند. البتّه این یکی از عوامل است؛ یک عامل هم شهوات و دنیاطلبی و امثال این‌هاست که کسانی را هم که عمق دارند، منحرف می‌کند. بسیار کسانی بودند که عمق نداشتند. یکی از راه‌هایی که این عمق را در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد می‌کند، انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتماً قرآنِ باتدبّر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.

*** بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت - ۱۳۸۴/۷/۱۷**

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

روزه مسافری که قبل از ظهر به وطن برسد

س) اگر مسافر، قبل از اذان ظهر ماه رمضان، به وطن برسد، آیا واجب است روزه را بگیرد؟

ج) انسان در ماه رمضان، می‌تواند در سفر (مشروط به اینکه از شب قبل، قصد سفر داشته باشد) روزه خود را افطار کند، هرچند که یقین دارد قبل از ظهر به وطن می‌رسد؛ اما اگر در سفر روزه خود را افطار نکرد، در صورتی که قبل از ظهر به وطن رسید، واجب است روزه را ادامه دهد.

روزه مسافری که بعد از ظهر به وطن می‌رسد

س) حکم مسافری که در ماه رمضان، صبح حرکت می‌کند و بعد از ظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز در آن‌جا بماند، برسد، چیست؟

ج) اگر از شب قبل، قصد سفر داشته، روزه آن روز باطل است؛ ولی اگر در روز، قصد سفر کرده است، بنابر احتیاط واجب باید روزه بگیرد و پس از ماه رمضان هم قضای آن را به جا آورد.

نرسیدن به وطن تا زوال ظهر

س) اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه به خاطر حادثه‌ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد و آیا کفّاره بر او واجب است یا فقط قضای روزه آن روز را باید به جا آورد؟

ج) در فرض سؤال اگر قبل از ظهر مسافرت را آغاز کرده و شب گذشته قصد سفر داشته، فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده، واجب است و کفّاره ندارد.

روزه‌گرفتن معذورین

س) یکی از اقوام، توان روزه‌گرفتن نداشت، ولی در ماه رمضان دو روز، روزه گرفت؛ آیا اشکال ندارد؟

ج) اگر روزه برایش ضرر داشته است، یا حرجی بوده روزه صحیح نیست.

پرداخت کفاره فرزند

س) آیا کفاره تأخیر فرزندی که درآمد ندارد بر عهده پدر است؟ اگر پدر کفاره تأخیر را پرداخت کند چیزی بر ذمه فرزند نیست؟

ج) پرداخت کفاره یا فدیه فرزند بر عهده پدر نیست. البته جایز است که پدر به وکالت از فرزند، فدیه یا کفارهٔ او را بپردازد.

ترک روزه به دلیل بیماری

س) هنگام روزه گرفتن به دلیل افت قند خون در طول روز دچار سردرد میگرنی می‌شوم و ادامه روزه برایم مقدور نیست؛ آیا لازم است که روزه بگیرم تا زمانی که سردردها رخ دهد و بعد ادامه ندهم و یا از ابتدای روز می‌توانم روزه نگیرم؟

ج) اگر بدانید یا احتمال عقلایی بدهید که روزه موجب بیماری یا تشدید یا افزایش طول آن می‌شود، روزه واجب نیست و از ابتدای روز می‌توانید روزه نگیرید ولی در صورتی که تا ماه رمضان بعد بتوانید باید قضای آن را بگیرید.

حکایت اهل راز

یافتن قبری با کمک صاحب قبر!

آیت‌الله مرتضی تهرانی(برادر حاج آقا مجتبی تهرانی) نقل کرد: مرحوم هاشم عبداللهی یکی از شاگردان درس جامع‌السعاداتِ پدرم در مسجد جامع[در بازار تهران] بود. پدرم در مسجد جامع، شبستان چهل‌ستون، سه ساعت بعد از مغرب نماز عشا را می‌خواند و بعد جامع‌السعادات می‌گفت. ده دوازده نفر از متدینین در این جلسه حضور داشتند. ایشان می‌گفت: وقتی درس پدرت آمدم دیدم هیچ‌چیز غیر از خدا برای من ارزشی ندارد. پس از فوت آقای عبداللهی جنازهٔ او را به مشهد بردند و در بهشت‌رضا دفن کردند. من(مرتضی تهرانی) آمدم مشهد به نیابت از ایشان زیارت کردم، تاکسی گرفتم رفتم بهشت‌رضا، آدرس قبر او را نداشتم، ایستادم گفتم: هاشم آقا، من آمدم زیارت قبر شما، مرا راهنمایی کنید، بلد نیستم.

دیدم گویا کسی دو تا کتف مرا گرفت از چپ و راست مرا این طرف و آن طرف برد، یک جا بدون جهت ایستادم، دیدم روی یک قبر در فاصلهٔ یک متری من نوشته: «هاشم عبداللهی تهرانی».

***کتاب: خاطره‌های آموزنده، نوشته آیت‌الله محمدی ری شهری انتشارات دارالحدیث قم**

اقتصاد معنویت‌گرا و ویژگی‌های آن

محمد شریف‌زاده

اقتصاد مجموعه‌ای از دانش کاربردی است که به بررسی فعالیت‌های اقتصادی مربوط به تولید، مبادله، توزیع و مصرف کالا و خدمات می‌پردازد و اصولا موضوعات آن به ساحت مادیات و امور دنیوی می‌پردازد. بنابراین، سخن از اقتصاد معنوی مانند سخن از رفتاری متضاد است که امکان ندارد؛ چرا که مباحث معنوی به ساحت امور اخلاقی و اخروی توجه دارد؛ اما بر اساس آموزه‌های قرآنی، اصولا اقتصاد اسلامی چیزی جز اقتصاد اخلاقی با رویکرد اصالت اخروی نیست؛ از همین رو اصول اقتصادی اسلام ناظر به ساحت اخلاق و معنویت بوده و به آسیب‌شناسی اقتصاد غیر اخلاقی و غیر معنوی می‌پردازد و خواهان اصلاحات اساسی در ساحت اقتصاد غیر معنوی است.

اصولا هر امر دنیوی از جمله مال و ثروت باید ابزاری برای تحصیل امور معنوی و آخرتی باشد(قصص، آیه ۷۷) و مؤمنان باید میان حسنات دنیوی و حسنات اخروی جمع کنند(بقره، آیه ۲۰۱؛ اعراف، آیه ۱۵۶؛ نحل، آیات ۳۰ تا ۹۷)، مشروط بر آنکه اهداف و ارزش‌های والای معنوی و اخروی در امور اقتصادی ترجیح داده شود.(توبه، آیه ۲۴)

نقش امور دنیوی از جمله مال و ثروت در فرآیند رشد بلکه رسیدن انسان به کمال بسیار اساسی است؛ هر چند که این امور جزو ابزارهای آزمون و امتحان برای انسان است تا هر کسی حقیقت وجودی و شاکله اصلی خویش را بروز و ظهور دهد و با نیات، شخصیت خویش را بسازد و نشان دهد(تغابن، آیات ۱۴ و ۱۵)، اما انسان در درون کوره آتشین ابتلائات است که ساخته می‌شود و ثروت و قدرت و مانند آنها از امور دنیوی در تحقق این رشد معنوی و کمال الهی انسان بسیار نقش دارد؛ چنان‌که خدا بیان می‌کند که مثلا صاحبان ثروت می‌توانند با «صدقه»(توبه، آیه ۷۵)، و انفاق و قرض‌الحسنه و هر عمل تجاری با خدا، در تجارتی بزرگ مشارکت کنند و این‌گونه به «خیر» مطلق دست یابند که مصداق آن سعادت ابدی اخروی در بهشت است. (صف، آیات ۱۰ تا ۱۲؛ نحل، آیات ۳۰ و ۹۷)

آسیب‌شناسی اقتصاد در سایه اقتصاد معنوی

اصول اقتصاد اسلامی که همان اقتصاد اخلاقی و معنوی آخرت‌گرا است، شامل اموری است که تامین‌کننده این اقتصاد معنوی در میان انسان‌ها است. از همین رو بر اصولی چون اعتدال و پرهیز از هرگونه اسراف و تبذیر در مصرف و استفاده از آنها تاکید دارد؛ زیرا این امور بر خلاف اصول اخلاقی و معنویت است. (انعام، آیه ۱۴۱؛ اعراف، آیه ۳۱؛ اسراء، آیه ۲۶)

از اصول اساسی اقتصاد معنوی اخلاق‌گرا می‌توان به عدالت و برخورداری همگان از قسط و قسمت خویش از مواهب الهی(بقره، آیه ۲۷۹؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ حدید، آیه ۲۵)، گردش ثروت در همه اقشار جامعه و ممنوعیت انحصارگرایی و تمرکز اموال(حشر، آیه ۷)، ممنوعیت خارج کردن نقدینگی از جریان و استفاده عموم (توبه، آیه ۳۴)، برخورداری همگان از شرایط کار و بهره‌گیری از مواهب الهی در سایه آن (هود، آیه ۶۱؛ نحل، آیه ۱۴؛ اسراء، آیات ۱۲ و ۶۶)، پذیرش مالکیت‌های چندگانه عمومی و خصوصی(بقره، آیات ۱۸۸ و ۲۷۹؛ انفال، آیات ۱ و ۴۱؛ حشر، آیه ۷)، اهتمام به نیازمندان و تامین نیازهای آنان از طریق انفاق و صدقه، قرض‌الحسنه بدون ربا(بقره، آیات ۱۷۷ و ۲۱۵ و ۲۷۳؛ انفال، آیه ۴۱؛ توبه، آیه ۶۰؛ حشر، آیات ۷ و ۸) و مانند آنها اشاره کرد.

بر همین اساس اقتصاد ربوی ممنوع و حرام(بقره، آیات ۲۷۵ و ۲۷۶) و اعلان جنگ رسمی علیه خدا و قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر هستی(بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹) و بیانگر عدم ایمان به آموزه‌های الهی(همان) و عامل بی‌برکتی و بی‌خیری(روم، آیه ۳۹) و بدتر از آن قرارگیری در دام شیطان و اهداف شیطانی و حرکت به سوی جنون شیطانی و خروج از ولایت الهی و قوانین آن است.(بقره، آیات ۲۷۵ و ۲۷۶)

هر چند که انسان در فعالیت‌های اقتصادی از آزادی برخوردار است(بقره، آیات ۲۰۱ و ۲۰۲؛ نساء، آیه ۳۲)؛ اما هرگز این آزادی همانند دیگر آزادی‌های انسانی بی‌حد و مرز نیست، بلکه انسان در چارچوب مشیت حکیمانه الهی لازم است تا زندگی خود را تنظیم کند و بر اساس قوانین الهی رفتار کند؛ و گرنه از مسیر کمال و رشد دور شده و سقوط می‌کند.

این بدان معناست که مرز آزادی فعالیت‌های اقتصادی تا حدی است که وارد خط قرمزها و ممنوعیت‌های الهی نشود. این ممنوعیت‌ها شامل ممنوعیت کسب درآمدها از راه‌های نامشروع (بقره، آیه ۱۸۸؛ نساء، آیات ۲ و ۲۹)، پرهیز از رشوه(بقره، آیه ۱۸۸)، ممنوعیت ربا (بقره، آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹)، ممنوعیت اسراف و تبذیر(انعام، آیه ۱۴۱؛ اسراف، آیه ۳۱؛ اسراء، آیات ۲۶ و ۲۷) و مانند آنها می‌شود.

از نظر آموزه‌های قرآن، اموری موجب می‌شود تا انسان از مسیر صحیح در ساحت امور اقتصادی خارج شود و از رشد معنوی و رسیدن به کمالات بایسته و شایسته باز ماند.

اقتصاد غیر اخلاقی، مایه تباهی زندگی

اقتصاد غیر اخلاقی و غیر معنوی دنیاگرا موجب می‌شود تا انسان‌ها چنان به دنیا گرایش یابند که به هر شکلی شده از نعمت‌های مادی دنیوی بهره‌گیرند. از همین رو از خدا و یاد او و آخرت رویگردان می‌شوند(طه، آیه ۱۲۴)، و روحیه تجاوزگری پیدا می‌کنند و به داشته‌های خویش بسنده نمی‌کنند(بقره، آیه ۶۱) و انفاق به نیازمندان را ترک می‌کنند(قلم، آیات ۱۷ تا ۲۷)، و نسبت به یتیم کوتاهی می‌کنند(فجر، آیات ۱۶ و ۱۷)، و تصرفات ناحق در اموال و ارث دیگران داشته(فجر، آیات ۱۶ تا ۱۹) و به رباخواری(بقره، آیه ۲۷۵) و بی‌عدالتی و ستمگری(ابراهیم، آیه ۳۴) و زیاده‌خواهی و تنوع‌طلبی در مصرف(بقره، آیه ۶۱)، کم‌فروشی و گران‌فروشی(اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ و ۸۵) و مانند آنها رو می‌آورند تا حرص و آزمندی خویش را ارضا کنند و دنیایی آباد برای خویش بسازند که نتیجه آن از دست رفتن معنویت و اخلاق و آخرت است.

از نظر قرآن، امور اقتصادی و معیشتی مردم در جایگاه مهم و اساسی در حد مسائل اعتقادی و عبادی است لذا پیامبران و اولیای الهی نمی‌توانند نسبت به امور اقتصادی کم‌توجه باشند و بدان اهمیت ندهند؛ بلکه همواره تلاش و سعی کردند تا حد توان خویش به اصلاح اقتصادی بپردازند.

براساس تعالیم قرآن کسانی که گرفتار اقتصاد غیراخلاقی و دنیاگرا می‌شوند، در همین دنیا همواره در ناز و نعمت و رفاه نخواهند بود، بلکه رفتارهای اقتصادی زشت و غیر اخلاقی آنان موجب می‌شود حتی در زندگی مادی خویش گرفتار سختی و تنگدستی شوند و نعمت‌های الهی به سبب کفران از دست برود و جای خودش را به نقمت بدهد.

برای ایجاد اصلاحات اقتصادی و دستیابی به اقتصاد معنوی اخلاقی آخرت‌گرا که تامین‌کننده رشد انسان و جامعه باشد، لازم است تا برنامه‌ریزی و نظارت دقیقی انجام شود و مدیران شایسته و متخصص و امین و متعهد بر امور اقتصادی نظارت کنند تا بتوانند عدالت اقتصادی اقامه نمایند.

براساس تعالیم قرآن کسانی که گرفتار اقتصاد غیر اخلاقی و دنیاگرا می‌شوند، در همین دنیا همواره در ناز و نعمت و رفاه نخواهند بود، بلکه رفتارهای اقتصادی زشت و غیر اخلاقی آنان موجب می‌شود حتی در زندگی مادی خویش گرفتار سختی و تنگدستی شوند و نعمت‌های الهی به سبب کفران از دست برود و جای خودش را به نقمت بدهد. از همین رو این افراد گرفتار معشیت سخت(طه، آیه ۱۲۴)، فقر و مسکنت(بقره، آیه ۶۱)، حکومت غیر صالحان و فساد اقتصادی(بقره، آیات ۲۰۴ و ۲۰۵)، بی‌برکتی(روم، آیه ۳۹)، پیدایش نظام طبقاتی(حشر، آیه ۷) و مانند آنها می‌شوند.

اصلاحات در سایه اقتصاد معنویت‌گرا

پیامبران و اولیای الهی همواره تلاش داشتند تا بر اساس قوانین آسمانی حاکم بر هستی مسیر را نشان دهند تا انسان بتواند به اهداف متعالی و کمال رشدی خویش برسد و در مقام خلافت الهی قرار گیرد. بنابراین، اگر در ساحت اقتصادی از اموری چون ترازو، پیمانه، انفاق، زکات، صدقه و مانند آنها سخن به میان می‌آورند، در راستای تحقق عدالت و دستیابی همگان به مواهب الهی برای رسیدن به رشد کمالی است.(حدید، آیه ۲۵)

بر اساس گزارش‌های قرآنی، پیامبران در حد توان خویش دنبال اصلاحات اقتصادی بر اساس آموزه‌های وحیانی بودند که مطابق فطرت انسانی و اهداف الهی است.(اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ تا ۸۸)

در حقیقت از نظر قرآن اقتصاد مایه قوام جامعه و انسان است؛ زیرا زندگی انسان بستگی به آن دارد؛ از همین رو، نمی‌توان آن را به دست سفیهان بی‌خرد داد تا نابود و تباه سازند.(نساء، آیه ۵)

به سخن دیگر، خدا بر آن است تا در سایه یکتاپرستی، مردم را در مسیر سعادت واقعی قرار داده و با تامین نیازهای آسایشی و آرامشی انسان به ویژه سلامت در امور اقتصادی و بهرمندی از طیبات حلال و به دور از فسادانگیزی، انسان را به کمال بایسته‌اش برساند.(اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیات ۸۴ تا ۸۶)

اصلاح و تصحیح روابط اقتصادی سالم انسان و جامعه، همپای مسائل اعتقادی و عبادی، در صدر آموزه‌های آسمانی در تمام شرایع در طول تاریخ بوده است.(همان؛ شعراء، آیات ۱۷۷ تا ۱۸۳)

بنابراین، از نظر قرآن، امور اقتصادی و معیشتی مردم در جایگاه مهم و اساسی در حد مسائل اعتقادی و عبادی است، لذا پیامبران و اولیای الهی نمی‌توانند نسبت به امور اقتصادی کم‌توجه باشند و بدان اهمیت ندهند؛ بلکه همواره تلاش و سعی کردند تا حد توان خویش به اصلاح اقتصادی بپردازند.(همان؛ بقره، آیات ۳ و ۴۱ و ۴۳ و ۲۷۷؛ نساء، آیه ۳۹)

اهتمام به امور اقتصادی و اصلاحات می‌بایست همگانی باشد تا جایی که لازم است حکومت بر امور اقتصادی از تولید تا توزیع و مصرف نظارت داشته باشد(یوسف، آیات ۴۷ و ۵۵) و مردم تحت هدایت و رهبری قوانین الهی به تحقق عدالت اقدام کنند تا همگان از مواهب الهی برخوردار شوند.(حدید، آیه ۲۵)

در اسلام رشد اقتصادی به عنوان یک نعمت مطرح است که در سایه عوامل مادی و معنوی تحقق می‌یابد. اگر آب(نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲) و زمین مناسب(اعراف، آیه ۵۸؛ سباء، آیه ۱۵) و کار سالم(ملک، آیه ۱۵) از عوامل مهم در رشد اقتصادی سالم است، استغفار به درگاه خدا(نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲)، استقامت بر دین حق و ملازمت آن(جن، آیه ۱۶)، امنیت و آرامش اجتماعی(بقره، آیه ۱۲۶)، انفاق(سباء، آیه ۳۹)، ایمان به خدا و معارف الهی(اعراف، آیه ۹۶)، عمل به تعالیم الهی(مائده، آیه ۶۶)، مراعات تقوا(اعراف، آیه ۹۶؛ طلاق، آیات ۲ و ۳) و مانند آنها از مهم‌ترین عوامل معنوی رشد اقتصادی است که خدا در قرآن به آن اشاره دارد.

بنابراین، بر مؤمنان است تا با هرگونه مفاسد اقتصادی و عوامل ایجادی آن از جمله گران‌فروشی و کم‌فروشی و بی‌عدالتی و رشوه و ربا و مانند آنها مبارزه کنند و اجازه ندهند تا این امور بر ساحت فعالیت‌های اقتصادی جامعه حاکم شود(بقره، آیات ۱۸۸ و ۲۷۸ و ۲۷۹؛ آل عمران، آیه ۳۰)؛ زیرا از نظر قرآن، رعایت عدل و انصاف در امور اقتصادی شرط دستیابی جوامع به خیر و سعادت است.(اعراف، آیات ۸۵؛ هود، آیات ۸۵ و ۸۶؛ اسراء، آیه ۳۵)

برای ایجاد اصلاحات اقتصادی و دستیابی به اقتصاد معنوی اخلاقی آخرت‌گرا که تامین‌کننده رشد انسان و جامعه باشد، لازم است تا برنامه‌ریزی و نظارت دقیقی انجام شود(یوسف، آیات ۴۷ و ۵۵؛ کهف، آیات ۹۳ تا ۹۷؛ سباء، آیات ۱۲ و ۱۳) و مدیران شایسته و متخصص و امین و متعهد(یوسف، آیه ۵۵) بر امور اقتصادی نظارت کنند تا بتوانند عدالت اقتصادی اقامه نمایند.(حدید، آیه ۲۵؛ حشر، آیه ۷)

اقتصاد در زندگی بشر بسیار با اهمیت است به طوری که می‌تواند عامل رشد یا نابودی جوامع شود؛ از همین‌رو می‌توان از اقتصاد به عنوان ابزاری کارآمد برای نیل به مقاصد مشروع(یوسف، آیات ۵۸ تا ۶۰) یا نابودی آن بهره گرفت؛ چنان‌که دشمنان با تحریم اقتصادی بر آن هستند تا به مسلمانان ضربه زده و موجب تباهی و نابودی آنان شوند.(توبه، آیه ۲۸)

برای اقامه عدالت اقتصادی و اصلاحات در این ساحت لازم است تا از ثروت‌اندوزی بی‌مورد جلوگیری به عمل آید(توبه، آیات ۳۴ و ۳۵؛ حشر، آیه ۷) و اجازه نداد تا با تکاثر و ثروت‌اندوزی و انباشت سرمایه جلوی رشد اقتصادی گرفته شود.(همان)

از نظر قرآن ایمان و توجه به رزاقیت خدا مایه امیدواری به آینده اقتصادی و معیشت مطلوب مؤمنان است و آنان هیچ نگرانی نخواهند داشت.(انعام، آیه ۱۵۱؛ ابراهیم، آیه ۳۴؛ اسراء، آیه ۳۱)

باید توجه داشت که از نگاه قرآن، بهره‌مندی از ثروت و توسعه اقتصادی به معنای حقانیت آن جوامع و معنویت آن نیست؛ زیرا خدا از باب استدراج و امهال یا ابتلاء به افراد و جوامع بشری ثروت می‌بخشد و از نظر اقتصادی در رفاه و رشد قرار می‌گیرند (کهف، آیات ۳۲ تا ۳۶؛ سباء، آیات ۳۴ تا ۳۷؛ زخرف، آیات ۳۳ تا ۳۴)، اما هرگز این رشد اقتصادی موجب نمی‌شود تا از هلاکت و خشم الهی در امان باشند و از نابودی برهند.(انعام، آیه ۶؛ توبه، آیه ۶۹؛ قصص، آیات ۷۶ تا ۸۲)

اقتصاد اسلامی چیزی جز اقتصاد معنوی اخلاقی آخرت‌گرا نیست که اصالت را به آخرت می‌دهد و اخلاق و معنویت را محافظت می‌کند. در حقیقت اقتصاد اسلامی چیزی جز اخلاق و معنویت نیست که مطابق فطرت الهی انسان است.

در اسلام رشد اقتصادی به عنوان یک نعمت مطرح است که در سایه عوامل مادی و معنوی تحقق می‌یابد. اگر آب و زمین مناسب و کار سالم از عوامل مهم در رشد اقتصادی سالم است، استغفار به درگاه خدا، استقامت بر دین حق و ملازمت آن، امنیت و آرامش اجتماعی، انفاق، ایمان به خدا و معارف الهی، عمل به تعالیم الهی، مراعات تقوا و مانند آنها از مهم‌ترین عوامل معنوی رشد اقتصادی است که خدا در قرآن به آن اشاره دارد.

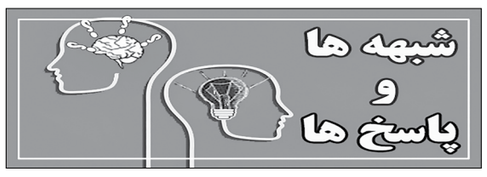

نسبت حجاب با حسّ زیبایی‌دوستی انسان

شبهه: خانم‌ها ذاتاً و خلقتاً زیبایی‌های بیشتری نسبت به مردان دارند و از سوی دیگر در دین گفته شده است که «إِنّ الله جَمیلٌ یُحبُّ الجَمَال»[1] و «إِنّ الله عَزّ وَ جَلّ یُحِبُّ الجَمَالَ وَ التجمّل»[2]، خدا زیبا است و زیبایی و آراستگی را دوست دارد. فطرت انسانی هم زیبایی‌ها را می‌پسندد؛ بخصوص فطرت خانم‌ها طوری است که به زیبایی، بیشتر از آقایان اهمیّت می‌دهند و بیشتر از آقایان، به آراستن خود و چیزهای دیگر تمایل دارند.

خانم‌ها حتّی وقتی در خانه هستند، دوست دارند فضای خانه و آشپزخانه را هم زیبا کنند و میل به آراستن را با گلدوزی پارچه یا آراستن سفره یا زیباکردن موجودات و اشیا ارضاء کنند. وقتی فطرت انسان، زیبایی را دوست دارد و فطرت زن با آراستن تناسب دارد و خداوند هم زنان را زیبا خلق کرده است و این حسّ را در زنان به رسمیّت شناخته و آن را منع نکرده است، چطور درخصوص مسئله حجاب دستور می‌دهد که زیبایی‌هایتان را بپوشانید؟ اگر زیبایی خوب است پس چرا پوشاندن آن در دین واجب شده است؟

پاسخ: مسائل بسیاری وجود دارد که فطری است و اصل آن، خوب و محترم و پسندیده است؛ امّا همه‌جا نباید آن خصوصیّت و صفت را آشکار کرد و از آن استفاده نمود؛ مثلاً ورزش‌کردن، کار خوبی است و فطرت و ساختمان وجودی انسان، متناسب با آن است که فعالیّت‌های جسمانی داشته باشد و ورزش کند تا بدنش قوی شود؛ امّا آیا این دلیل می‌شود که دانش‌آموز، سر کلاس و پیش معلّم، مشغول ورزش‌کردن و دویدن شود؟! اگر معلّم به چنین دانش‌آموزی تذکّر بدهد، دانش‌آموز حقّ دارد در پاسخ بگوید که شما ما را به ورزش تشویق کرده‌اید؟

جواب چنین ادعایی این است که «هر سخن جایی و هر نکته، مقامی دارد!» یعنی هر کاری، بموقعیّت مشخّص و مخصوصی نیاز دارد. ورزش باید در برنامهٔ زندگی انسان باشد امّا جای آن کجا است؟!

می‌دانیم که تحصیل علم و دانش، فضیلت است و با فطرت انسان، سازگاری دارد و دین هم به تحصیل علم تشویق کرده است؛ امّا اگر دانش‌آموزی در زنگ ورزش، مشغول انجام‌دادن تکالیف درسی باشد، حتماً معلّم به او اعتراض می‌کند. زیبایی‌های انسان هم در نظام تربیت صحیح انسان، جایگاه خاصّ خود را دارد. خداوند متعال زیبایی‌ها را تصادم قرار بگیرد. همان‌طور که انسان به زیبایی نیاز دارد، به آرامش هم نیاز دارد. اگر آرایش و زیبایی سبب شود که آرامش شخص به هم بخورد؛ شخص باید زیبایی‌ها را محدود کند و اگر آرایش‌کردن به تحصیل علم لطمه بزند، باید برای آن حد و مرز قائل شویم. این نوع کنترلگری در رفتار انسان، اختصاصی به دستورات دینی ندارد و در قوانین مدرن نیز به این مسئله توجّه شده است. امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر در کشورهای مختلف، خانم‌ها نباید لباس‌های زینتی بپوشند و آرایش کنند.[3]

اسلام بانوان را تشویق می‌کند که تا جایی که تمایل دارند، در نزد همسرشان و خانم‌های دیگر، آرایش کنند و به سر و وضع خود برسند. در تعالیم اسلام آمده است که مبادا مدّتی بر خانمی بگذرد و در نزد شوهرش آراسته حاضر نشود. از نظر اسلام مناسب است که زن سعی کند هر روز خودش را برای همسرش آرایش کند چرا که این رفتار پسندیده است و با فطرت زن سازگاری دارد و برای تحکیم بنیاد خانواده مفید است؛ امّا وقتی زن، از حریم خاصّ میان خود و همسرش بیرون می‌آید، از آنجا که این حسّ فطری با بقیّه امور فطری او، در تعارض و ناسازگاری است، باید کنترل شود.

اصلاً مسئلهٔ حجاب برای این تشریع شده است که زینت‌هایی که خداوند در وجود خانم‌ها قرار داده است محدود شود و به همین جهت خداوند در قرآن می‌فرماید: «لا یُبْدِینَ زِینَتَهُنّ»[4]؛ یعنی زنان باید به غیر از زینت‌های ظاهری، سایر زینت‌های خود را از نامحرمان مخفی کنند.

پس پاسخ مسئلهٔ فوق این است که زیبایی از نظر دین پسندیده است؛ امّا آرایش‌کردن و زیباترشدن تا حدّی پسندیده است که با بقیّه امور پسندیده در جامعه در تعارض نباشد وگرنه آن چیزی که مهم‌تر است، مقدّم می‌شود. حجاب، برای حفظ آرامش کلان جامعه است و حفظ این آرامش، اهمیّت بیشتری از زیبایی زنان در فضای عمومی دارد. با این‌حال جواز آرایش زنان در مناسبات خصوصی بین خود و بین محارم به قوّت خویش باقی است.

*** محمدحسن وکیلی**

همان‌طور که انسان به زیبایی نیاز دارد، به آرامش هم نیاز دارد. اگر آرایش و زیبایی سبب شود که آرامش شخص به هم بخورد؛ باید زیبایی‌ها را محدود کند و اگر آرایش‌کردن به تحصیل علم لطمه بزند باید برای آن حد و مرز قائل شویم. این نوع کنترلگری در رفتار انسان اختصاصی به دستورات دینی ندارد و در قوانین مدرن نیز به این مسئله توجّه شده است. امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر در کشورهای مختلف، خانم‌ها نباید لباس‌های زینتی بپوشند و آرایش کنند.

اسلام بانوان را تشویق می‌کند که تا جایی که تمایل دارند، در نزد همسرشان و خانم‌های دیگر، آرایش کنند و به سر و وضع خود برسند. در تعالیم اسلام آمده است که مبادا مدّتی بر خانمی بگذرد و در نزد شوهرش آراسته حاضر نشود. از نظر اسلام مناسب است که زن سعی کند هر روز خودش را برای همسرش آرایش کند، چرا که این رفتار پسندیده است و با فطرت زن سازگاری دارد و برای تحکیم بنیاد خانواده مفید است؛ امّا وقتی زن، از حریم خاصّ میان خود و همسرش بیرون می‌آید، از آنجا که این حسّ فطری با بقیّه امور فطری او، در تعارض و ناسازگاری است، باید کنترل شود.

۱. الکافی، ج۶، ص ۴۳۸.
۲. همان، ص، ۴۴۰.
۳. ر.ک. «قوانین پوششی برای دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌های معتبر دنیا؛ خبرگزاری مشرق؛ دانشگاه‌های مطرح جهان چه قوانینی برای پوشش دانشجویان دارند؟» خبرگزاری فارس، (مرور شده در ۲۷ دی ۱۴۰۱).
۴. نور: آیه ۳۱.

چراغ راه

دو ویژگی بیشترین ورودی‌ها به بهشت

قال النبی(ص): «اکثر ما تلج بـه امتی الجنّه : تقوی الله و حسن الخلق»

پیامبر اکرم(ص) فرمود: امت من بیشتر به سبب دو چیز وارد بهشت می‌شوند: ۱- تقوای الهی ۲- خوش اخلاقی.[1]

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۶

حکایت خوبان

مصالح ساخت بهشت

امام صادق(ع) از قول پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هنگامی که به آسمان سیر داده شدم، وارد بهشت شده و در آنجا دیدم ملائکه مشغول ساختن کاخ هستند و خشت‌های طلا و نقره را روی هم می‌نهند و گاه از کار می‌ایستند. به آنها گفتم: چرا گاهی مشغول کار هستید و گاه دست می‌کشید؟ گفتند: منتظریم تا مواد و مصالح به ما برسد. گفتم: مواد شما چیست؟ گفتند: ذکر «سبحان الله» و «الحمدلله» و «لا اله الّا الله» و «الله اکبر» که بر زبان مومن جاری می‌گردد. چون او این اذکار را بگوید به کار مشغول می‌شویم و چون از ذکر باز ایستد، دست می‌کشیم.[1]

۱- بحارالانوار،ج ۸، ص ۱۲۳

پرسش و پاسخ

وجود بهشت و جهنم فعلی

پرسش:

آیا بهشت و جهنم در شرایط کنونی و الان موجود است یا در آینده موجود خواهند شد؟

پاسخ:

ادله نقلی مخلوق بودن بهشت و جهنم

مسأله‌ای از قدیم‌الایام میان متکلمین مطرح بوده است و آن اینکه آیا بهشت و جهنم مخلوقند، یعنی در حال حاضر وجود دارند یا در آینده خلق می‌شوند؟ بزرگان شیعه به طور ویژه می‌گویند که «اعتقادنا ان الجنّه و النار مخلوقان»

اعتقاد این است که الان بهشت و جهنم وجود دارد و مخلوق است، ولی در عالمی دیگر است.